خبر
N E W S

کوچ صادرکنندگان قهوه از آمریکا به چین

سیاست تعرفه‌ای دونالد ترامپ که با وعده بازگرداندن رونق اقتصادی به آمریکا آغاز شد، اکنون پیامدهایی پیش‌بینی‌نشده برای تجارت جهانی به همراه دارد. این سیاست اگرچه به‌ظاهر برای حمایت از مشاغل داخلی طراحی شده، اما عملاً در حال سوق دادن صادرکنندگان بزرگ مواد غذایی به سوی چین و دیگر بازارهای آسیایی است. نمونه روشن این تغییر، برزیل است؛ بزرگ‌ترین صادرکننده قهوه جهان که با تعرفه ۵۰ درصدی بر کالاهای خود در بازار آمریکا مواجه شده است. برزیل که حدود یک‌سوم قهوه ایالات متحده را تأمین می کرد، امروز ناچار است برای هشت میلیون کیسه دانه قهوه به‌دنبال مشتریان جدید بگردد. صدها شرکت برزیلی ظرف چند ماه گذشته به ثبت صادرات به چین اقدام کرده‌اند. این حرکت نشان می‌دهد که چین، با بازار عظیم و فرهنگ مصرف رو به رشد، جایگاه تازه‌ای در معادلات جهانی مواد غذایی به دست آورده است. فرناندا پیزول، یکی از صادرکنندگان قهوه برزیل، از افزایش ارتباطات تجاری با چین، ژاپن و اروپا خبر داده و می گوید شرکتش در حال حاضر فهرستی طولانی از مشتریان بالقوه دارد. او تصریح می کند که خریداران آمریکایی بسیاری سفارش‌های خود را متوقف کرده‌اند تا تأثیر تعرفه‌ها را بسنجند. این بلاتکلیفی صادرکنندگان را به تنوع‌بخشی بازارها سوق می‌دهد؛ تحولی که در بلندمدت می‌تواند توازن سنتی تجارت جهانی قهوه را تغییر دهد. در هند نیز اوضاع مشابهی جریان دارد. تعرفه‌های ۵۰ درصدی بر چای و غذاهای دریایی هندی و همچنین جریمه‌های مضاعف به‌دلیل خرید نفت از روسیه، صادرکنندگان این کشور را تحت فشار قرار داده است. بسیاری از تولیدکنندگان چای و میگو اکنون به چین به‌عنوان مقصدی جایگزین می‌نگرند. هرچند نگرانی از رقابت شدید با تولیدکنندگان آفریقایی وجود دارد، چین همچنان مهم‌ترین گزینه برای بازاریابی جدید هندی‌هاست.

اما هزینه این تغییرات برای خود آمریکا چیست؟ انجمن‌های مواد غذایی در این کشور هشدار داده‌اند که تولید داخلی کالاهایی مانند قهوه یا میگو غیرممکن است و تعرفه‌ها ناگزیر به افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان منجر خواهد شد. برآوردها نشان می‌دهد که قیمت یک کیسه قهوه برزیلی در آمریکا ممکن است ۲۵ درصد افزایش یابد و این رشد، بهای یک فنجان قهوه را تا هفت درصد بالا ببرد. والمارت و سایر خرده‌فروشان بزرگ نیز اعلام کرده‌اند که تحمل هزینه‌های اضافی تا اینجا ممکن بود، اما ادامه این روند قیمت‌ها را به‌زودی بالا خواهد برد. با وجود این فشارها، برخی صادرکنندگان هندی مانند ابوطاهر ابوبکر تأکید می کنند که مشتریان آمریکایی همچنان برای ماه‌های آینده سفارش داده‌اند و قفسه‌های فروشگاه‌ها نمی‌توانند خالی بمانند؛ اما حتی او هم اذعان دارد که در کنار آمریکا، چین و اروپا به بخشی پایدار از استراتژی صادراتی شرکتش تبدیل شده‌اند.

سیاست تعرفه‌ای ترامپ در کوتاه‌مدت شاید درآمدهای دولت را افزایش دهد، اما در بلندمدت احتمالاً موجب انتقال تجارت از آمریکا به چین خواهد شد. این جابه‌جایی نه‌تنها به تقویت جایگاه اقتصادی چین کمک می کند، بلکه نشان می‌دهد جهانی‌سازی برخلاف انتظار ترامپ، مسیر خود را می‌یابد.

منبع: واشینگتن‌پست

فرانسه در تله ریاضت

فروپاشی دو دولت در کمتر از یک سال نشان داد بحران بدهی و اصلاحات بازنشستگی بدون اعتماد اجتماعی محکوم به شکست سیاسی و اقتصادی است

حمیدرضا علی‌نیا
روزنامه نگار

▲ تصویر ساخته هوش مصنوعی است

> سقوط دو دولت فرانسه در فاصله‌ای کمتر از ۹ ماه نشان از بحرانی عمیق در ساختار حکمرانی این کشور است؛ بحرانی که بدون بازسازی فوری اعتماد اجتماعی، هر اصلاح مالی را به شکست سیاسی و افزایش هزینه اقتصادی محکوم می کند

در ۴ دسامبر ۲۰۲۴ تعادل شکننده پارلمان فروپاشید. پس از آن که نمایندگان چپ‌گرا و راست افراطی متحد شدند و به طرح عدم اعتماد رأی دادند، دولت اقلیت به رهبری «میشل بارنیه» سقوط کرد. جرقه ماجرا تصمیم او برای استفاده از ماده‌ای در قانون اساسی بود؛ میان‌بری که به قوه مجریه اجازه می‌دهد لایحه‌ای را بدون رأی کامل پارلمان تصویب کند. دولت بارنیه قصد داشت لایحه‌ای درباره تأمین اجتماعی و بودجه بازنشستگان را از مجمع ملی بگذراند. این اقدام شکلی، یک نزاع فنی بر سر بودجه را به رویارویی سیاسی تبدیل کرد: شکافی آشکار میان دولتی که زیر فشار محدودیت‌های مالی بود و مردمی که هنوز خاطره نبردهای تلخ خیابانی بر سر بازنشستگی‌ها در سال ۲۰۲۳ را در ذهن داشتند.

فروپاشی دسامبر مشکلات زیربنایی را حل نکرد و از آن زمان تا سپتامبر ۲۰۲۵ سه فشار دیرپا انباشته شد: بدهی عمومی سنگین و رو به افزایش که دامنه انتخاب‌های سیاستی را محدود می کرد، شکاف مشروعیتی برآمده از اصلاحات بازنشستگی ۲۰۲۳ و مجلسی متلاشی و قطبی که تشکیل اکثریت را ناممکن می‌ساخت. در چنین شرایطی سیاست بودجه‌ای به قمار یا سیاست بقا برای هر نخست‌وزیر بدل شد.

به همین ترتیب، دولت نخست‌وزیر «فرانسوا بایرو» نیز در یک رأی اعتماد دیگر سقوط کرد و تاریخ در ۸ سپتامبر ۲۰۲۵ تکرار شد. بسته ۴۴ میلیارد یورویی او برای کاهش کسری بودجه ـ شامل انجماد هزینه‌ها، اصلاحات فنی و کاهش‌های نمادینی همچون پیشنهاد حذف تعطیلات رسمی ـ با ۳۶۴ رأی مخالف در برابر ۱۹۴ رأی موافق رد شد. ساعاتی بعد بایرو استعفا داد. این رأی در پارلمان به‌عنوان رد سیاست‌های ریاضتی در سراسر طیف سیاسی تعبیر شد؛ سیاست‌هایی که تهدیدی برای خدمات عمومی و سطح زندگی مردم بودند. سقوطی استثنایی که نشان داد یک دولت اقلیت، با تلاش برای کاهش کسری بودجه عمیق، نمی‌تواند در مجلسی بدون اکثریت دوام بیاورد. این شکست فراتر از ناکامی پارلمانی بود؛ بازتابی از مخالفت اجتماعی و سیاسی ریشه‌ای با ریاضت اقتصادی. گزارش‌های گاردین، رویترز و فایننشال تایمز سه دلیل اصلی را برجسته می کنند: نخست، برنامه بایرو قصد داشت به بازارهای مالی و مؤسسات رتبه‌بندی اطمینان دهد که هشدارشان درباره بدهی فرانسه (حدود ۱۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی بر پایه داده‌های IMF) و کسری بودجه ۵ تا ۶ درصدی جدی گرفته شده است. دوم، متن لایحه توپ را به زمین مردم انداخته بود؛ علاوه بر سیاست‌های ریاضتی، اقداماتی مانند حذف تعطیلات رسمی و کاهش هزینه‌ها داشت که در نگاه مردم حمله‌ای مستقیم به سطح زندگی تلقی شد. سوم، میراث اصلاح بازنشستگی ۲۰۲۳ هنوز زنده بود و هر پیشنهاد تازه بی‌اعتمادی عمومی را عمیق‌تر می کرد.

چرا اقتصاد فرانسه ریاضت می‌خواهد؟

آشفتگی‌های سیاسی اخیر فرانسه با کاهش قابل‌توجه سرمایه‌گذاری خارجی هم‌زمان شد. گزارش جهانی سرمایه‌گذاری ۲۰۲۴ نشان می‌دهد جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فرانسه از ۷۵.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ به حدود ۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ سقوط کرده است. همچنین، آنکتاد فرانسه را در میان اقتصادهای پیشرفته‌ای قرار داد که کاهش سالانه محسوسی داشته‌اند.

در سطح پروژه‌ها، «بیزنس فرانس» ۱٬۶۸۸ تصمیم سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۲۰۲۴ ثبت کرد که انتظار می‌رود ۳۷٬۷۴۷ شغل ایجاد یا حفظ کنند، اما شاخص‌ها در مقایسه با سال‌های قبل کاهش نشان داد. گزارش «جذابیت اروپایی» مؤسسه EY نیز بیانگر افت ۱۴ درصدی پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در فرانسه نسبت به ۲۰۲۳ است. ارتباط این داده‌ها با گسست‌های سیاسی روشن است. سقوط دولت‌ها پس از رأی عدم اعتماد، نبود قطعیت سیاستی و افزایش ریسک حاکمیتی هزینه و ریسک پروژه‌های بلندمدت را بالا می برند و شرکت‌ها را به واکنش «صبر کن و ببین» سوق می‌دهند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد عدم قطعیت سیاسی رابطه‌ای منفی با سرمایه‌گذاری خارجی دارد. سقوط‌های مکرر دولت‌ها در ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ این عدم قطعیت را تشدید کرده و به تضعیف محسوس سرمایه‌گذاری کمک کرده است. البته فشارهای مالی فرانسه تنها ناشی از سیاست‌های داخلی نیست؛ چارچوب‌های مالی اروپا و سیاست‌های پولی نیز مؤثرند. «پیمان ثبات و رشد» اتحادیه اروپا سقف ۳ درصد کسری را تعیین کرده و رویه نظارتی ویژه‌ای برای کشورهای متخلف دارد. بانک مرکزی اروپا نیز از منظر نرخ‌های بلندمدت و تنش‌های مالی منطقه‌ای نقش هشداردهنده ایفا می کند. به همین دلیل دولت‌های حوزه یورو بین الزام کاهش کسری برای رهایی از فشارهای اروپایی-بازاری و نیاز به حمایت از رشد و خدمات عمومی گرفتارند.

سقوط عادی دولت‌های فرانسه

فروپاشی‌های پیاپی سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ تنها نتیجه اشتباهات پارلمانی یا لغزش‌های دو نخست‌وزیر نبود. این رویدادها نشانه بن‌بستی ساختاری عمیق‌ترند. فرانسه برای دهه‌ها از جریان پایدار سرمایه بیرونی بهره‌مند بود: سرمایه‌گذاری خارجی، مازاد مالی ناشی از جایگاه جهانی و به‌طور تاریخی سود استعماری، که امکان نوعی سازش اجتماعی را فراهم می کرد. اما آن سپر حمایتی امروز فرسوده شده است. با کاهش شدید سرمایه‌گذاری جهانی در اروپا و افت پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در فرانسه، ارزش ورودی سرمایه در ۲۰۲۴ تقریبا نصف شد. بی‌ثباتی سیاسی، هزینه‌های بالای نیروی کار و تغییرات ژئوپولیتیک جریان سرمایه را به سوی دیگر سوق داده و پاریس را در برابر حساب و کتاب سخت بدهی و کسری بودجه بی‌پناه‌تر کرده است.

وقتی مازاد بیرونی خشک می‌شود، دولت ناگزیر به جامعه رو می‌آورد. آنچه پیش‌تر با ورود سرمایه خارجی جبران می‌شد، اکنون از دل مردم استخراج می‌شود: انجماد هزینه‌ها، کاهش بودجه‌ها و حتی حذف تعطیلات. اقداماتی که مستقیما سطح زندگی را هدف قرار می‌دهند. در اینجا تناقض آشکار می‌شود: دولت‌ها به زبان بازارها و رتبه‌بندی‌های اعتباری سخن می گویند، در حالی که شهروندان از کرامت، امنیت و مراقبت می گویند. طبقه سیاسی به دارندگان اوراق قرضه وعده اعتبارپذیری می‌دهد، اما هزینه آن را کارگران و بازنشستگان می‌پردازند.

منبع: گاردین

از قانون حمورابی تا تحولات دیجیتال

چگونه تاریخچه ایمنی در جهان متحول شد؟

تاریخچه ایمنی و سلامت کار در جهان نشان می‌دهد این مفهوم همواره از دل تراژدی‌ها سر برآورده است. از قانون حمورابی که مسئولیت سازنده را در قبال مرگ صاحب‌خانه بر عهده می گرفت تا مشاهدات بقراط درباره بیماری معدنچیان و توصیه پلینی برای استفاده از ماسک، نخستین جرقه‌های اندیشه ایمنی شغلی زده شد. در قرون وسطی، گیلدهای صنفی وظیفه حمایت از کارگران آسیب‌دیده را بر دوش داشتند. با آغاز رنسانس و انتشار آثار آگریکولا و پاراسلسوس، بنیان‌های علمی تازه‌ای برای شناخت بیماری‌های شغلی شکل گرفت. نقطه عطف این روند، کتاب رامازینی در سال ۱۷۰۰ بود که نخستین بار سلامت حرفه‌های مختلف را به‌طور نظام‌مند بررسی کرد.

با انقلاب صنعتی و گسترش کارخانه‌ها، دولت‌ها ناگزیر به مداخله شدند؛ قوانین کارخانه در اوایل قرن نوزدهم به تصویب رسید و نهادهای بازرسی کار پدید آمدند. این قرن همچنین شاهد تولد بیمه‌های حوادث و مسئولیت کارفرما بود که کارگران را بدون نیاز به اثبات تقصیر تحت پوشش قرار داد. قرن بیستم با حوادثی چون آتش‌سوزی کارخانه تری‌انگل و فاجعه بوپال، به تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌تر، تأسیس سازمان بین‌المللی کار و تدوین استانداردهای جهانی انجامید. در قرن بیست‌ویکم، دامنه ایمنی از محیط‌های صنعتی به حوزه‌هایی چون سلامت روان، مدیریت ریسک پیش‌بینانه، حقوق دورکاران و فناوری‌های نوین گسترش یافت.

اینفوگرافی حاضر روایتی تصویری از تاریخ ایمنی و سلامت کار ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که بسیاری از نهادها و قوانین امروز، حاصل تراژدی‌های کاری و حوادث تکان‌دهنده گذشته‌اند. در این روایت، مسیر تحول ایمنی شغلی از دوران باستان تا عصر دیجیتال دنبال می‌شود.